

چهره پنهان شهر: طراحی هویت و آینده‌ی نماهای شهری در ایران

مهرناز فیض زاده کریق^۱، زهرا علی نیا^{۲*}

^۱دکتری معماری دانشگاه آزاداسلامی، واحد ساری، ایران

^۲مدرس گروه معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ساری، ساری، ایران

چکیده

چهره‌ی پنهان شهر، همان نمای شهری است که به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین مؤلفه‌های هویت‌بخش در کالبد شهر، امروزه با بحران معنا، انسجام و هویت مواجه شده است. هویت فیزیکی در فضاهای شهری مفهومی است که به شدت تحت تأثیر شیوه‌ی سازمان‌دهی عناصر کالبدی، به‌ویژه نماهای شهری قرار دارد. در شهرهای تاریخی ایران، هماهنگی میان اجزای کالبدی، به‌ویژه نماها، موجب شکل‌گیری هویتی منسجم و قابل شناسایی شده است. با این حال، در دهه‌های اخیر، سلطه‌ی رویکردهای متناقض، فقدان جهت‌گیری روشن در طراحی شهری و تأثیرات جهانی‌شدن منجر به تضعیف یا حذف تدریجی مؤلفه‌های هویتی و بومی از نماهای شهری ایران شده است. نبود برنامه‌های زمینه‌گرا، بومی و جامع، پیامدهایی نظیر ازدست‌رفتن زیبایی بصری، ضعف خوانایی، نبود وحدت و انسجام کالبدی و در نهایت، شکل‌گیری شهرهایی بی‌چهره و بی‌هویت را به همراه داشته است. این مقاله با تمرکز بر تحلیل نماهای شهری معاصر در ایران و با بهره‌گیری از روش مطالعه‌ی میدانی و مستندسازی تصویری، سعی دارد عوامل مؤثر در زوال هویت فیزیکی را شناسایی کند. در پایان، راهکارهایی جهت احیای هویت بصری، بازطراحی نماها و مقابله با بی‌هویتی روزافزون در شهرهای ایران ارائه می‌شود؛ راهکارهایی که می‌توانند افق تازه‌ای برای آینده‌ی طراحی نمای شهری در کشور ترسیم کنند.

واژگان کلیدی: هویت شهری، نمای شهری، طراحی شهری در ایران

مقدمه

از آغاز شکل‌گیری شهرها، مفهوم «هویت» همواره به‌عنوان یکی از ارکان اساسی در نظریه‌ها و رویکردهای گوناگون شهرسازی مطرح بوده است. هویت شهری نه‌تنها در عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بازتاب یافته، بلکه در بُعد کالبدی و به‌ویژه در عناصر بصری مانند نماها، حضوری پررنگ و تعیین‌کننده داشته است. رویکردهایی نظیر «شهر باغ»، «شهر سنتی»، «سنت‌گرایی»، «زمینه‌گرایی»، «نوشهرگرایی» و «طراحی شهری نوین» همگی بر لزوم توجه به هویت در ساختار و سیمای شهر تأکید داشته‌اند شهر به‌عنوان بستری که در آن انسان، فضا، زمان و رویدادها به هم پیوند می‌خورند، نیازمند درک عمیق و آگاهانه از هویت در بُعد کالبدی است. نماهای شهری به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های فیزیکی، نقش کلیدی در تقویت یا تضعیف هویت شهر ایفا می‌کنند. مفهوم چشم‌انداز شهری^۱ که نخستین‌بار توسط توماس شارپ در سال ۱۹۴۸ مطرح شد و بعدها توسط گوردون کالن به بُعد مفهومی و ادراکی پیوند خورد، نشان‌دهنده‌ی ارتباط تنگاتنگ میان فرم فیزیکی شهر و ارزش‌های هویتی آن است (Cullen, 1971)

در ایران، با ورود مدرنیسم و تحولات سریع شهری، معماری و شهرسازی سنتی که مبتنی بر پاسخ‌گویی به نیازهای بومی و زمینه‌ای بود، به‌تدریج جای خود را به ساخت‌وسازهای بی‌هویت، ناپیوسته و صرفاً سودمحور داد. شهرهای امروزی ایران، به‌ویژه کلان‌شهرهایی مانند تهران و کرج، با نماهایی ناهمگون، سردرگم و غیرمنسجم روبه‌رو هستند؛ وضعیتی که برای هر رهگذری، فارغ از تخصص، آشکار است. این نماهای شهری، نه‌تنها فاقد زیبایی بصری و انسجام هستند، بلکه توانایی تولید معنا و خاطره‌ی جمعی را نیز از دست داده‌اند. افزایش جمعیت، نبود نظارت بر ساخت‌وسازها و بی‌توجهی به زمینه‌های تاریخی و فرهنگی موجب شده تا چهره‌ی شهرهای ایران به تدریج دچار نوعی از خودبیگانگی شود. نماهای جدید نه تنها با بافت موجود هماهنگ نیستند، بلکه در بسیاری موارد به تخریب نماهای ارزشمند تاریخی نیز انجامیده‌اند. این روند موجب کاهش خوانایی، جذابیت و هویت فیزیکی در سیمای شهرهای ایرانی شده است. در این میان، نما به‌عنوان عنصری که در مرز میان فضای عمومی و خصوصی قرار دارد، نقش کلیدی در بازآفرینی هویت کالبدی دارد. طراحی آگاهانه‌ی نماها می‌تواند به انسجام بصری، خوانایی و حس تعلق در محیط شهری منجر شود؛ همان‌طور که در بافت‌های تاریخی ایران شاهد آن بوده‌ایم. بر این اساس، پرسش‌های بنیادینی در این مقاله مطرح می‌شوند: چگونه می‌توان هویت فیزیکی شهر را از طریق طراحی نماها تقویت کرد؟ چه عواملی باعث زوال هویت کالبدی در شهرهای ایران شده‌اند؟ و چه راهکارهایی می‌تواند به بازسازی این هویت انجامد؟ این مقاله با هدف تبیین نقش نماهای شهری در شکل‌دهی به هویت فیزیکی شهر، ضمن بهره‌گیری از مطالعات میدانی و تحلیل‌های بصری، تلاش دارد راهکارهایی برای ارتقای کیفیت سیمای شهری در ایران ارائه دهد (دریافتی و شایانفر، ۱۴۰۰)

¹ (Cityscape)



شکل ۱: احیای یک نمای تاریخی در یکی از ضلع‌های میدان حسن‌آباد تهران. این نما به‌تازگی بر روی ساختمانی مدرن که در دوره پهلوی ساخته شده بود، بازسازی شده است. این اقدام به‌وضوح موجب تقویت هویت فیزیکی نمای تاریخی موجود و همچنین محیط شهری پیرامون آن شده است (نگارنده، ۱۴۰۰ به نقل از اکبرزاده و همکاران، ۱۳۹۰)



شکل ۲:

نماهای نامناسب در شهرهای ایران؛ از چپ به راست:

(الف) نمایی که به‌صورت تکراری و بدون برنامه‌ریزی ساخته شده است؛

(ب) نمایی ظاهراً زیبا اما فاقد هویت مناسب که با زمینه‌ی موجود ناسازگار است و تنها بر پایه‌ی منافع اقتصادی و سلیقه‌های فردی شکل گرفته؛

(ج) نمایی تاریخی و ارزشمند که در حال حاضر تخریب شده است (نگارنده، ۱۴۰۰ به نقل از رفیعیان و همکاران، ۱۳۹۴)

ادبیات تحقیق

هویت

مفهوم هویت مجموعه‌ای پیچیده از معانی است که ریشه در آثار اریک اریکسون در دهه ۱۹۵۰ دارد. در دهه ۱۹۷۰، این واژه جایگاهی مستقل در زبان عمومی و بسیاری از رشته‌های علمی به‌دست آورد. (Fearon, 1999) در واقع، هویت را می‌توان به‌عنوان موقعیتی در جهان در نظر گرفت که تنها در ارتباط با همان جهان قابل درک است. به عبارتی دیگر، هویت، نوعی ادراک از «خود» در نسبت با چیزهایی است که در پیرامون ما وجود دارد (Berger & Luckmann, 1966; Burke & Stets, 2009) در اواخر دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰، تحت تأثیر پست‌مدرنیسم، مورخان، انسان‌شناسان و پژوهشگران علوم انسانی توجه بیشتری به مفهوم هویت نشان دادند (Fearon, 1999) استتس و بیگا (۲۰۰۳) هویت را مجموعه‌ای از معانی مرتبط با «خود» دانسته‌اند که به‌عنوان معیار و مرجع برای رفتار در موقعیت‌های گوناگون عمل می‌کند. در همین راستا، میسون (۲۰۱۳) معتقد

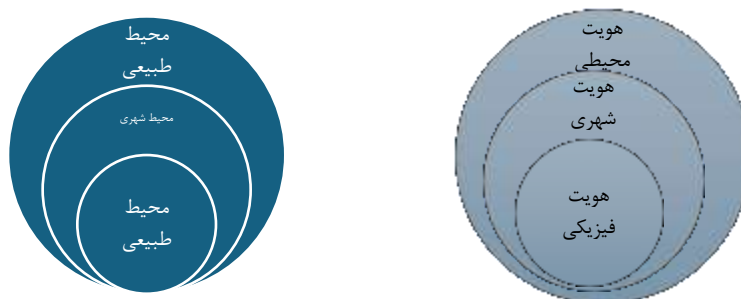
است که هر فرد دارای هویت‌های چندگانه‌ای است که در فضاها، ساختارهای اجتماعی و روابط مختلف فعال می‌شوند. بر این اساس، می‌توان گفت هویت مفهومی گسترده و چندلایه است که در تمامی پدیده‌های جهان قابل مشاهده بوده و توان تأثیرگذاری بر جنبه‌های محیطی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و حتی سیاسی را دارد. در حوزه شهرسازی نیز، هویت می‌تواند بر کیفیت محیط شهری، به‌ویژه در بعد فیزیکی، اثرگذار باشد و در بلندمدت آینده شهر و مسیر توسعه آن را شکل دهد.

نماها و هویت کالبدی

بدنه شهری‌ای که نتواند به‌عنوان منبعی برای هویت عمل کند، مکانی ناپایدار یا بدون برنامه‌ریزی است. راب کری‌یر تأکید دارد که هویت کالبدی در فضاها، شهری بر پایه ویژگی‌های فیزیکی محیط ساخته‌شده شکل می‌گیرد؛ برای نمونه، تنوع متناسب در نماها می‌تواند هویتی قوی و مؤثر ایجاد کند. (Krier, 1979)

علاوه بر این، فضاها، تاریخی با نماهای ارزشمند نه‌تنها به جذابیت فیزیکی شهر کمک می‌کنند بلکه زمینه حضور فعال شهروندان را در فضاها، عمومی فراهم می‌آورند. (Hellier et al., 1983) در واقع، بخشی از هویت شهری در گرو گذشته شهر است؛ بنابراین، با تخریب مکان‌های خاطره‌انگیز تاریخی، بخشی از هویت شهر نیز از بین می‌رود. به همین دلیل، حفظ بناها و نماهای تاریخی نقش مهمی در انتقال هویت به نسل امروز دارد. (Abbasi, 2017) طراحی نماهای جدید بر اساس بافت تاریخی و زمینه‌محور نیز تلاشی در جهت حفظ هویت محلی به شمار می‌رود. (Kim, 2000)

منظر شهری که شامل نماهای شهری نیز هست، تمام آن چیزی است که در سطوح افقی و عمودی شهر دیده می‌شود. این ترکیبی است از مؤلفه‌های فیزیکی، هندسی و طبیعی فضاها، شهری که با هدف زیبایی‌شناسی و تناسب میان عناصر شکل گرفته‌اند. نما، به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین اجزای منظر شهری، نه صرفاً یک عنصر معماری و نه کاملاً یک پدیده شهرسازی است؛ بلکه تلفیقی است از هنر و عناصر شهری. (Rahnamayi, 2003) نماها موجب انسجام و نظم در ساختار فیزیکی شهر می‌شوند و بر شکل‌گیری هویت اثر می‌گذارند. (Cullen, 1971) بنابراین، فرسایش یا حذف نماهای ارزشمند، به‌طور مستقیم به تضعیف هویت کالبدی در فضاها، شهری می‌انجامد. از سوی دیگر، کمبود طراحان متخصص و بی‌توجهی به همه ابعاد محیط در فرایند طراحی نما نیز عامل دیگری برای تضعیف این نوع از هویت است. (Brolin, 1980) پس از بررسی اجمالی ادبیات مرتبط با مفهوم «هویت»، می‌توان گفت که هویت در حوزه شهری دارای سلسله‌مراتب مشخصی است: محیط طبیعی دربرگیرنده محیط شهری و اجزای آن است و محیط شهری نیز شامل نماهای شهری می‌شود. بنابراین، هویت کالبدی نمود یافته در نماها می‌تواند بر هویت شهری تأثیر گذاشته و نهایتاً هویت کل محیط را تحت تأثیر قرار دهد (شکل ۳). به‌بیان دقیق‌تر، نماهای شهری به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های فیزیکی محیط شهری، نیازمند هویتی مشخص‌اند تا بتوانند نقشی در شکل‌دهی به هویت شهری و محیطی ایفا کنند. از این رو، نگارش این مقاله و تحلیل مفهوم هویت در ابعاد کالبدی شهر، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر محسوب می‌شود.



شکل ۳: مفهوم هویت در رابطه با محیط طبیعی، محیط شهری و نماهای شهری (نگارنده، ۱۴۰۴)

همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، نقش بصری نماها در سیمای شهری و تأثیر آن‌ها بر ابعاد مختلف شهر، از دیرباز مورد توجه اندیشمندان چون کامیلو سیت، گوردون کالن و پل زوکر بوده است. زوکر (۱۹۷۰) تأکید می‌کند که برای دستیابی به کیفیت‌های زیبایی‌شناسانه‌ی مؤثر، لازم است رابطه‌ای منطقی میان حجم ساختمان و نمای آن برقرار باشد.

با گذر زمان، ارزش‌های مفهومی مانند «هویت» جایگاه پررنگ‌تری نسبت به صرف عناصر بصری پیدا کردند. این روند سبب شد بسیاری از صاحب‌نظران، نقش نماها را در شکل‌دهی به کالبد شهر و هویت محیطی آن برجسته بدانند. کوین لینچ با تعریف مفهوم «تصویر ذهنی» در سال ۱۹۶۰، به‌طور غیرمستقیم به مسئله‌ی هویت و عوامل مؤثر بر آن، از جمله بُعد فیزیکی شهر اشاره کرد. وی در کتاب نظریه فرم مطلوب شهری، هویت را یکی از عناصر اساسی در ساختار معنایی محیط‌های شهری معرفی می‌کند و معتقد است که نمادهای شهری می‌توانند در شکل‌گیری هویت کالبدی و ارتقای خوانایی و زیبایی شهر نقش مؤثری داشته باشند (Lynch, 1960).

ادموند بیکن نیز بر اهمیت رابطه‌ی مناسب میان ساختارهای همجوار برای تقویت هویت فضایی تأکید دارد (Bacon, 1967). در ادامه، پژوهشگرانی چون کالین رو، فرد کوتر و راجر ترانزیک نیز به توسعه‌ی ارزش‌های مفهومی در بافت‌های محلی و ارتقای هویت شهری از طریق مؤلفه‌های فیزیکی پرداختند (Rowe & Koetter, 1978; Trancik, 1986). هدمن و یاسزوسکی نیز معتقدند که وحدت و انسجام در طراحی نماهای شهری نه تنها موجب زیبایی بصری می‌شود، بلکه به تثبیت هویت کالبدی کمک می‌کند (Hedman & Jaszewski, 1984). همچنین لئون کری‌یر تأکید دارد که نمای شهری باید از لحاظ عناصر عملکردی چون در و پنجره، تناسبات عمودی و افقی، مصالح، رنگ و جزئیات تزئینی دارای انسجام باشد تا بتواند هویت کالبدی منسجم و اثرگذار تولید کند (Krier, 1992). از سوی دیگر، ایان بنتلی و همکارانش با بررسی نقش نظم خط آسمان، جزئیات مناسب دیواره‌ها، رنگ‌بندی و الگوهای فیزیکی، اظهار داشته‌اند که رعایت این موارد می‌تواند در ارتقای ارزش‌های زمینه‌ای و حفظ هویت فیزیکی شهر مؤثر باشد (Bentley et al., 1985).

در ایران نیز پژوهشگران بسیاری در راستای احیای هویت‌های کالبدی از دست رفته‌ی شهری فعالیت کرده‌اند. به گفته پاکزاد، نماها باید به‌عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از محیط شهری تلقی شوند که مستقیماً بر هویت تأثیر می‌گذارند. او معتقد است نمای مطلوب باید دارای هویتی مستقل و در عین حال سازگار با زمینه‌ی موجود باشد (Pakzad, 2003, 2015).

حبیب (۲۰۰۶) نیز بر این باور است که نماهای اثربخش باید خاطره‌انگیز باشند تا بتوانند هویت بصری مؤثری ایجاد کنند و در نتیجه به تنظیم فعالیت‌های انسانی و تقویت حافظه‌ی جمعی و تعاملات اجتماعی کمک نمایند. صفامنش (۱۹۹۴) نیز با تأکید بر

اهمیت ارزش‌های فرهنگی، بر نقش عناصر غیرملموس در شکل‌گیری هویت کالبدی تأکید دارد. از سوی دیگر، تفضلی (۱۹۹۰) ویژگی‌هایی نظیر نظم، وحدت، تناسب، مقیاس، هماهنگی، تعادل، تقارن و تداوم را در خلق نمای مطلوب مؤثر می‌داند. پورجعفر و علوی (۲۰۱۲) نیز شفافیت در طراحی عناصر نمای شهری را عاملی در افزایش خوانایی، زیبایی و هویت کالبدی معرفی کرده‌اند.

روش‌شناسی پژوهش

مطالعه حاضر ماهیتی کیفی دارد، چرا که هدف آن شناسایی عوامل مؤثر در تضعیف هویت کالبدی در شهرهای ایران و بررسی نقش نماها در این فرآیند است. تحقیق کیفی از طریق رویکرد تفسیرگرایانه و طبیعی، امکان درک پدیده‌ها را در بستر واقعی آن‌ها فراهم می‌کند. این روش به‌ویژه برای فهم ساختارهای معنایی پنهان و آشکار مؤثر بر محیط‌های کالبدی بسیار مناسب است. در این مطالعه، از روش **مطالعه میدانی** به‌عنوان یکی از رویکردهای کیفی استفاده شده است تا از طریق مشاهده مستقیم و عکاسی از فضاهای شهری، داده‌های تجربی گردآوری شود. مشاهده، ابزاری مؤثر برای ثبت اطلاعات واقعی، درک موقعیت‌های جاری و شناسایی شواهد فیزیکی است (Taylor-Powell & Steele, 1996). نمونه‌های مورد بررسی در این پژوهش شامل نماهای ساختمانی در کلان‌شهرهای ایران هستند، چرا که بحران هویت در این شهرها محسوس‌تر و پرچالش‌تر است. پس از بررسی منابع نظری، در مرحله بعد تلاش خواهد شد مشکلات اساسی در نماهایی که باعث تضعیف هویت کالبدی شده‌اند شناسایی و تحلیل گردد. نماهایی که دارای این مشکلات هستند گزینش شده و مورد نقد توصیفی قرار می‌گیرند. هدف نهایی، ارائه راهکارها و سیاست‌هایی برای بازآفرینی هویت فیزیکی در بافت شهری است.

یافته‌های تحقیق

محیط شهری نیازمند یک نظام منسجم و هماهنگ است تا بتواند پیوستگی مؤثر میان اجزای مختلف خود را حفظ کند. انسجام میان مؤلفه‌های محیطی، به‌ویژه اجزای کالبدی، برای تثبیت هویت محیطی ضروری است (Krier, 1979; Grutter, 2004). در واقع، ساختار کالبدی شهر به‌عنوان بستر اصلی هویت‌بخشی محیط شهری ایفای نقش می‌کند. در شرایط کنونی، بسیاری از شهرهای ایران به دلیل تکرار یا تفاوت‌های افراطی در طراحی نماها دچار بحران هویت شده‌اند (Daneshpour, 2004). از سوی دیگر، عوامل ناملموس و غیر فیزیکی نیز نقش مهمی در تضعیف هویت کالبدی ایفا می‌کنند. به‌عنوان نتیجه اولیه این مطالعه، جدول شماره ۱ مجموعه‌ای از این عوامل کلی و پیامدهای منفی آن‌ها را ارائه می‌دهد. این عوامل به‌هم وابسته‌اند و آثار متقابل دارند؛ بنابراین بررسی هم‌زمان آن‌ها ضروری است.

جدول ۱: عوامل ناملموس و غیر فیزیکی در تضعیف هویت کالبدی

پیامدهای منفی	عوامل کلی
-شناسایی نادرست هویت فیزیکی - تعیین اهداف نامناسب برای حفاظت از هویت - ایجاد محدودیت‌های مالی	سیاست‌های اشتباه
-ناسازگاری با هویت‌های بومی و زمینه‌ای - تخریب هویت تاریخی و بناهای تاریخی - از بین رفتن تعادل کالبدی	طرح‌های نامرتب
-بی‌نظمی و هرج و مرج در ساخت بناها - دخالت منافع شخصی در نماها - عدم نظارت بر هویت کالبدی	فقدان مقررات
-نماهای بی‌روح و ناسازگار - تبلیغات عمومی نامناسب روی نماها - آلودگی محیطی و بصری	کاربری‌های

بی برنامه	
ترازوهای نامتعادل	-عدم تعادل بصری- ارتفاع نامنظم ساختمان‌ها- نماها و نشانه‌های بی‌هویت- تخریب انسجام کالبدی

نگارنده، ۱۴۰۴

چهره پنهان شهر: طراحی هویت و آینده‌ی نماهای شهری در ایران

بر اساس داده‌های جدول ۱، آشفتگی‌های بصری به‌طور گسترده در محتوای تمامی عوامل مطرح‌شده و پیامدهای آن‌ها مشهود است. در نتیجه، عملکردهای غیرمتنی و تنوع نامحدود و بی‌نظم در نمای شهری، به‌طور قطعی موجب تضعیف هویت کالبدی در فضاهای شهری می‌شوند. بخش عمده‌ای از این معضل ناشی از منافع شخصی کنترل‌نشده و سیاست‌گذاری‌های نادرست شهری است. با این حال، در این مقاله تمرکز صرفاً بر تحلیل مشکلات کالبدی نماهاست که منجر به این اغتشاشات بصری می‌شوند.

مطابق با شکل ۴، نویسندگان سه عامل اصلی اغتشاشات بصری در نماهای شهری را شناسایی کرده‌اند:

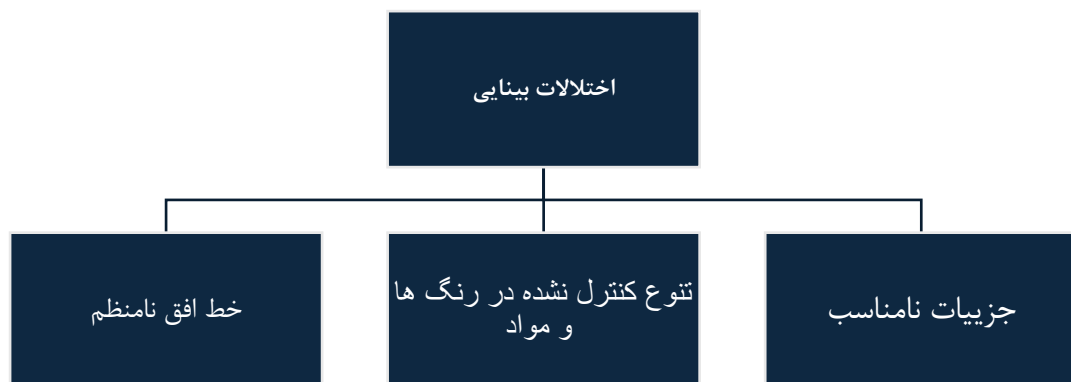
۱. خط آسمان نامنظم
۲. تنوع کنترل‌نشده در رنگ‌ها و مصالح
۳. جزئیات نامتناسب و نامرتب

در حقیقت، سازماندهی و اجرای صحیح این سه مؤلفه می‌تواند تأثیر چشمگیری در ارتقای هویت کالبدی فضاهای شهری داشته باشد. با این حال، متأسفانه در شهرهای ایران این عوامل به‌درستی برنامه‌ریزی و اجرا نمی‌شوند. از این رو، طراحی و برنامه‌ریزی نامناسب در این سه زمینه، می‌تواند کیفیت کالبدی شهر را تضعیف کرده و به فرسایش هویت شهری بینجامد. این تحقیق به بررسی دقیق این عوامل در دو کلان‌شهر تهران و کرج می‌پردازد؛ شهرهایی که بخش قابل‌توجهی از این مشکلات را در خود جای داده‌اند.

بی‌نظمی در خط آسمان و ناهماهنگی ارتفاع ساختمان‌ها

خط آسمان که به‌عنوان میانگین ارتفاع ساختمان‌ها شناخته می‌شود، نقش مهمی در نظم بصری و هماهنگی نماها دارد. خط آسمان منظم و زیبا از جمله شاخص‌های کیفیت شهری است و در تعریف و تثبیت هویت کالبدی نقش مؤثری دارد. با این حال، این ویژگی در نمای امروزی شهرهای ایران کمتر دیده می‌شود. به‌نظر می‌رسد تلاشی در جهت شکل‌گیری خط آسمانی مطلوب و هماهنگ وجود ندارد و مقررات مشخصی برای کنترل آن در نظر گرفته نشده است (مطابق با شکل ۵).

در واقع، ساخت‌وسازهای جدید باید در امتداد و هماهنگ با خط آسمان موجود صورت گیرند، نه در تضاد با آن. شکل ۶ نشان می‌دهد که بخشی از این مسئله ناشی از توسعه‌های بدون برنامه و تصمیم‌گیری‌های ناکارآمد در دهه‌های اخیر است. برای مثال، ساخت نامتجانس ساختمان‌های بلندمرتبه در میان بافت‌های کم‌ارتفاع، این آشفتگی را تشدید کرده است. اغلب این پروژه‌ها با انگیزه‌های صرفاً اقتصادی اجرا شده‌اند و ارزش‌های کالبدی و زیبایی‌شناسی فضای شهری در آن‌ها نادیده گرفته شده است. بنابراین، با برهم خوردن نظم خط آسمان، هویت کالبدی نیز به تدریج رنگ می‌بازد.



نمودار ۱: سه دسته اختلالات بصری بعنوان عوامل اصلی زوال هویت فیزیکی (نگارنده، ۱۴۰۴)



شکل ۴: آسمان خراش نامناسبی که به دلیل بی توجهی مدیران و همچنین ضعف قوانین به وجود آمده است: محله سنگلج، تهران (حبیبی و مجتبیایی، ۱۳۹۰)

چهره پنهان شهر: طراحی هویت و آینده‌ی نماهای شهری در ایران

ظاهر ساختمان‌ها، بیانگر هویت و جوهره‌ی فیزیکی هر بناست و نقش مهمی در شکل‌گیری هویت بصری شهرها دارد. حفظ نمای اصلی ساختمان‌ها از اهمیت بالایی برخوردار است و نباید اجازه داد که با افزودن جزئیات نامناسب و نامنسجم مانند پنجره‌های بی‌رویه، بیلبردهای نامتناسب، بالکن‌های پراکنده، یا اضافه کردن طبقات جدید و نصب نماهای متنوع و بی‌همگون بر روی نماهای قدیمی، این هویت مخدوش شود. چنین تغییرات ناهمگون و بی‌نظم، به‌ویژه زمانی که ساکنان بر اساس سلايق شخصی خود اقدام به تغییرات می‌کنند، باعث ایجاد اختلالات بصری و در نهایت از بین رفتن انسجام و هویت شهری می‌گردد.

از سوی دیگر، تنوع بی‌رویه و بدون کنترل در انتخاب رنگ‌ها و مصالح نماها، یکی دیگر از چالش‌های مهم در حفظ هویت شهری است. هر چند تنوع و خلاقیت باید در طراحی نماها وجود داشته باشد، اما این تنوع باید بر پایه‌ی شناخت درست از الگوهای فرهنگی و زمینه‌ی تاریخی و اجتماعی صورت گیرد تا هویت فیزیکی مناسبی شکل گیرد و حفظ شود. پیش از ساخت نما، باید تصویر واضح و هماهنگی از هویت مورد نظر وجود داشته باشد و در صورت وجود نماهای ساخته شده، باید با برنامه‌ریزی‌های منعطف، اصلاحات لازم به‌صورت تدریجی و کنترل‌شده انجام شود (حبیبی و مجتبابی، ۱۳۹۰).

هماهنگی مصالح و رنگ‌ها در نماها، نقش کلیدی در ایجاد زیبایی و حفظ انسجام هویتی دارد و باید از به‌کارگیری رنگ‌های سرد و بی‌روح اجتناب شود. تنها از طریق این نظم و هماهنگی است که می‌توان چهره‌ای پویا، زیبا و هماهنگ از شهرهای ایران ترسیم کرد که هویت تاریخی و فرهنگی خود را حفظ کرده و آینده‌ای پایدار و جذاب برای ساکنانش رقم بزند.



شکل ۶: نصب بیلبردهای نامناسب بر روی نماها؛ منطقه گلشهر، کرج (حبیبی و مجتبابی، ۱۳۹۰)

شکل ۷: اختلالات بصری ناشی از الحاقات؛ خیابان لاله‌زار، تهران (حبیبی و مجتبابی، ۱۳۹۰)



شکل ۸: تنوع کنترل نشده و نامرتب مصالح؛ خیابان لاله زار، تهران (حبیبی و مجتبیایی، ۱۳۹۰)

شکل ۹: استفاده از رنگ‌های نامناسب و بی‌روح در نماها؛ منطقه گلشهر، کرج (حبیبی و مجتبیایی، ۱۳۹۰)

پیشنهادهای راهکارها

همان‌گونه که در جدول ۱ نشان داده شده، عوامل گسترده‌تری در تخریب هویت فیزیکی شهرها نقش دارند، اما این مقاله به‌طور مشخص بر سه عامل اصلی با ابعاد فیزیکی پررنگ‌تر تمرکز کرده است. اکنون در بخش پایانی بحث، راهکارهایی کلی برای تقویت و حفظ هویت فیزیکی در فضاهای شهری ارائه می‌شود. البته باید تأکید کرد که اجرای این اقدامات تنها در پیوند با محیط‌های شهری موجود و در هماهنگی با هویت زمینه‌ای ممکن و مؤثر خواهد بود. این توصیه‌ها و تمهیدات اغلب به‌عنوان راه‌حل‌هایی برای مداخله در نماها و ظاهر شهری مطرح می‌شوند که عبارت‌اند از:

- مدیریت و اجرای طرح‌های بهسازی زمینه‌محور برای نماهای شهری؛
- کنترل و هدایت اقدامات بلندمدت به‌جای مداخلات مقطعی و کوتاه‌مدت؛
- یکپارچه‌سازی اجزای محیطی با نمای شهری برای دستیابی به انسجام بصری؛
- تنظیم تعادل میان ساختارهای فیزیکی نماها در بافت‌های شهری؛
- توجه به کیفیت به‌جای کمیت به‌منظور بازآفرینی وحدت پایدار میان اجزای فیزیکی نماها؛
- بهره‌گیری از عناصر زمینه‌ای و طبیعی برای ارتقای کیفیت محیط شهری؛
- سازمان‌دهی نماهای جدید در هماهنگی با بافت تاریخی، هویت زمینه‌ای و معماری بومی؛
- پرهیز از افزایش بی‌رویه تراکم ساختمانی و جلوگیری از شکل‌گیری نظام ارتفاعی ناهماهنگ؛
- زیباسازی فضای شهری از طریق استفاده‌ی هدفمند و متناسب از رنگ و نور؛
- طراحی نقاشی‌های دیواری و گرافیک‌های شهری به‌صورت برنامه‌ریزی‌شده و منظم؛
- تقویت و حفظ ساختمان‌ها و بناهای تاریخی در ارتباط با ساختارهای جدید؛
- سامان‌دهی کاربری اراضی و انتقال کاربری‌های نامناسب به بخش‌های داخلی بافت شهری.

نتیجه‌گیری

هویت شهری، پدیده‌ای چندبعدی است که در ابعاد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و حتی سیاسی قابل تعریف است. با این حال، بخش فیزیکی شهر و به‌ویژه نماهای شهری، تجلی عینی و ملموس این هویت محسوب می‌شوند. آنچه در این مقاله بارها مورد تأکید قرار گرفت، این بود که محیط شهری بستری است که دربرگیرنده‌ی بخش فیزیکی هر شهر است؛ و نماهای شهری بخش

جدایی ناپذیر از این بستر به شمار می‌آیند. از این رو، طراحی صحیح نماها و به‌طور کلی بخش فیزیکی شهر می‌تواند تأثیری مستقیم بر هویت فیزیکی شهری داشته باشد. ارزش‌های فیزیکی باید به‌درستی و در هماهنگی با یکدیگر اجرا شوند تا به بازآفرینی هویت از دست‌رفته‌ی فضاهای شهری منجر گردند. همچنین می‌توان نتیجه گرفت که هر شهر از ظرفیت‌های درونی بالقوه‌ای برای احیای هویت فیزیکی خود برخوردار است. این هویت زمانی شکوفا می‌شود که با آرمان‌ها و ظرفیت‌های موجود هم‌راستا باشد. شناخت اختلالات بصری از طریق بررسی سه عامل کلیدی—بی‌نظمی در خط آسمان و ناهماهنگی ارتفاعی، اضافه شدن جزئیات نامناسب به نماها و تنوع کنترل‌نشده در رنگ و مصالح—نشان می‌دهد که مدیریت صحیح نماها می‌تواند نقش مهمی در بازسازی هویت فیزیکی ایفا کند. در این مقاله همچنین به‌وضوح نشان داده شد که هویت فیزیکی شهرهای ایرانی، به‌ویژه کلان‌شهرها، به‌شدت تحت تأثیر اختلالات بصری دچار آسیب شده است. بنابراین، سامان‌دهی نماهای شهری با در نظر گرفتن این سه عامل اصلی می‌تواند نقش کلیدی در احیای هویت فیزیکی و فراهم‌سازی زمینه‌ای برای ظهور دوباره‌ی هویت شهری در تمامی ابعاد ایفا کند. پایان، ضروری است که طراحان شهری به ارزش‌های فیزیکی موجود آگاه باشند و تلاش‌های خود را در راستای احیای هویت زمینه‌ای شهرها به‌کار گیرند تا بتوانند سرزندگی و زیست‌پذیری فضاهای شهری را ارتقاء داده و تجربه‌ای ماندگار و معنادار برای ساکنان فراهم کنند. همچنین، این اقدامات باید در راستای حفظ هویت منحصربه‌فرد هر منطقه از شهر صورت گیرد؛ هویتی که شهر را از سایر نقاط جهان متمایز می‌کند.

منابع

۱. بحرینی، حسین (۱۳۹۳). فرایند طراحی شهری. تهران: دانشگاه تهران.
۲. حبیبی، محسن و مجتبایی، فرزانه (۱۳۹۰). هویت شهری و سیمای شهر. تهران: دانشگاه تهران.
۳. اکبرزاده، فریبا؛ رضویان، بهناز؛ رحمتی، مهدی. (۱۳۹۰). تحلیلی بر هویت‌مندی سیمای شهری در ایران. «فصلنامه علمی-پژوهشی باغ نظر»، ۸(۱۸)، ۴۳-۵۴.
۴. رفیعیان، منوچهر؛ صفار، صدیقه؛ گودرزی، نسرین. (۱۳۹۴). بررسی مؤلفه‌های هویت بصری نمای شهری با تأکید بر شهر تهران. فصلنامه علمی-پژوهشی هویت شهر، ۹(۱۰)، ۲۵.
۵. دریافتی، مریم و شایانفر، زهرا. (۱۴۰۰). بررسی مداخلات نامناسب در نمای شهری و تأثیر آن بر هویت. نشریه معماری و شهرسازی ایران، ۱۱(۳)، ۷۵.
6. Carmona, M., Heath, T., Oc, T., & Tiesdell, S. (2010). *Public Places, Urban Spaces: The Dimensions of Urban Design* (2nd ed.). Oxford: Routledge.
7. Lynch, K. (1960). *The Image of the City*. Cambridge, MA: MIT Press.
8. Relph, E. (1976). *Place and Placelessness*. London: Pion Limited.
9. Moughtin, C. (2003). *Urban Design: Street and Square* (3rd ed.). Oxford: Architectural Press.
10. Tibbalds, F. (2001). *Making People-Friendly Towns: Improving the Public Environment in Towns and Cities*. London: Taylor & Francis.
11. Koolhaas, R. (1994). *Delirious New York: A Retroactive Manifesto for Manhattan*. New York: Monacelli Press.